**«در محضر مرجعیت»**

**سلسله جلسات علمی حضرت آیت الله العظمی شیرازی دام ظله در ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 (جلسه دوازدهم)**

دوازدهمین نشست علمی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله در شب های ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 با حضور جمعی از شخصیت های علمی، نمایندگان مراجع عظام تقلید، فعالان دینی و فرهنگی و طلاب علوم دینی، در شامگاه روز چهارشنبه یازدهم رمضان المبارک ۱۴۴6 در بیت مرجعیت شهر مقدس قم برگزار شد.

مشروح مباحث مطرح شده در این نشست به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم، وله الحمد

پرسش: رسول خدا صلی الله علیه وآله در اوایل خطبۀ آخر ماه شعبان می‌فرمایند: «أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ، وَ نَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ، وَ عَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ، وَ دُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ؛ فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ» (وسائل الشیعة، ج10، ص313/ الباب 18، ح20)؛ آیا خطابشان خصوص روزه‌داران را شامل می‌شود یا اینکه اعم از روزه‌داران و غیر روزه‌داران می‌باشد؟

پاسخ: باتوجه به اینکه وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این کلام را بیان فرمودند، یقینا افرادی بودند که به‌واسطۀ عذر شرعی که داشتند، از روزه گرفتن معاف بودند، از قبیل مسافرین و زنانی که به‌واسطۀ عادت ماهیانه‌ای که دارند شرعا قادر به روزه گرفتن نیستند. پس بنابراین می‌توان بیان کرد فضائلی که حضرت بیان فرمودند، مخصوص روزه‌داران نیست و شامل اعم از روزه‌داران و غیر روزه‌داران می‌شود. به عبارت دیگر: ظاهر خطاب رسول خدا صلی الله علیه و آله، عدم اختصاص این فضیلت به روزه‌داران است، بلکه این برکت ماه مبارک رمضان برای همۀ مؤمنان است، چه آن‌ها که روزه‌دار هستند و چه آن‌ها که معذور از روزه گرفتن هستند.

پرسش: با توجه به اینکه آرد و نان، دو نرخ دولتی و آزاد دارند و نرخ دولتی به مراتب ارزان‌تر از نرخ آرد و نان آزاد می‌باشد، آیا می‌توان فدیه را با قیمت و نرخ آرد و نان دولتی پرداخت کرد؟

پاسخ: فدیه باید یک مد طعام که معادل است با ده سیر یا هفتصد و پنجاه گرم، گندم یا نان آن، یا جو یا نان آن، یا یک مد مویز و یا یک مد خرما، به فقیر پرداخت شود و اگر هم پولش را به فقیر پرداخت می‌کنند، باید شخص فقیر با این پول موارد مذکور را تهیه کند، حتی اگر استفاده نکند و آن‌ها را بفروشد. ولی ملاک در فدیه رساندن یک مد طعام از موارد مذکور به فقیر است. اما در مورد سؤال که در جامعه آرد و نان با نرخ ارزان‌تر وجود دارد، اگر این نانی که ارزان‌تر در جامعه وجود دارد مورد مصرف عموم مردم می‌باشد، می‌توان فدیه را از نان دولتی محاسبه کرد.

پرسش: آیا می‌توان فدیه و فطریه را در اول ماه پرداخت کرد؟

پاسخ: در مورد فدیه، بله می‌توان آن را قبل از این که ماه رمضان به اتمام برسد، پرداخت کرد. اما در مورد فطریه این‌گونه نیست و باید آن را روز عید فطر که اول شوال است به فقیر پرداخت کرد و یک راه شرعی دارد و آن این است که پول را قبل از اول شوال به فقیر بدهد و روز اول شوال نیت فطریه کند، البته به شرطی که فقیر بر فقرش باقی مانده باشد.

پرسش: آیا روییدن موی پشت لب نشانه بلوغ می‌باشد؟

پاسخ: نشانه بالغ شدن یکی از سه امر می‌باشد که عبارت‌اند از: 1- روییدن موی درشت زیر شکم و روی عورت، ولی موی نازک علامت بلوغ نیست. 2- محتلم شدن و بیرون آمدن منی و این علامت در زنان بسیار کم است. 3- تمام شدن پانزده سال قمری در مردان و تمام شدن نه سال قمری در زنان. اما روییدن موی درشت در صورت، پشت لب، سینه و زیر بغل و خشن شدن صدا و مانند آن نشانه بالغ شدن نیست، مگر انسان بر اثر آن به بالغ شدن یقین کند.

پرسش: تراشیدن ریش در دو طرف صورت و باقی گذاشتن جلوی آن که به آن در عرف ریش پروفسوری اطلاق می‌شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ: از روایات مختلف در مسئله برداشت می‌شود ریش جلوی صورت و دو طرف صورت باید تراشیده نشود. مشهور میان فقها نیز همین است، پس تراشیدن ریش و ماشین کردن آن، به صورتی که مثل تیغ زدن باشد، حرام است. همچنین به سند صحیح از امام رضا علیه السلام و به سند صحیح از امام کاظم علیه السلام روایت شده است: «وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ هَلْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ لِحْيَتِهِ قَالَ أَمَّا مِنْ عَارِضَيْهِ فَلَا بَأْسَ وَ أَمَّا مِنْ مُقَدَّمِهَا فَلَا» (وسائل الشیعة، ج 2، ص 11).

پرسش: امام جماعتی بعد از سجده دوم رکعت آخر نماز مشغول به قرائت تشهد شد و تعدادی از مأمومین یقین کردند که امام یک سجده را به جا نیاورده است پس به سجده رفتند و تعدادی همچون امام یقین داشتند و تعداد دیگری از هیچ طرف یقینی برای آن‌ها حاصل نشد؛ وظیفه مأمومین چیست؟

پاسخ: اگر مأموم یقین کند که امام جماعت یک سجده را به جا نیاورده است، باید به یقین خود عمل کند و یک سجده را به جا بیاورد و مأمومی که هنوز یقین به اشتباه امام جماعت برایش حاصل نشده است، باید از امام جماعت پیروی کند.

پرسش: شخصی که قدرت بر روزه گرفتن دارد، اما در طول روز باید یک قرص مصرف کند، می‌توان چنین شخصی را به ذوالعطاش ملحق کرد؟

پاسخ: حکم ذوالعطاش را فقط می‌توان در شخصی جاری کرد که به سبب بیماری، احتیاج به آب داشته باشد و مورد مذکور فقط نیاز به آب ندارد، بلکه نیاز به قرص خوردن دارد، پس ملحق به بیمار می‌شود و روزه نمی‌گیرد. بلکه اگر تا قبل از ماه رمضان آینده عذر او برطرف شد، روزه را قضا می‌کند، در غیر این صورت فقط برای هر روز یک فدیه بر عهدۀ اوست.

پرسش: افرادی که از روزه گرفتن عاجز هستند، چند فدیه باید پرداخت کنند؟

پاسخ: اگر شخصی به سبب بیماری یا عذری مانند مسافرت روزه ماه رمضان را نگیرد، اگر بعد از ماه رمضان عذرش برطرف شد، در این صورت فدیه بر این شخص واجب نیست و باید روزه‌هایی را که نگرفته است قضا کند. ولی اگر بیماری او تا سال آینده ادامه داشت، قضا کردن روزه‌هایی را که نگرفته، بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک فدیه بپردازد. اما اگر شخصی از جهت بیماری ذوالعطاش، پیری، خانم بادراری که روزه بر خودش یا جنین ضرر دارد، خانمی که شیر می‌دهد و روزه گرفتن باعث صدمه دیدن بچه یا خودش می‌شود، روزه نگرفته‌اند، بنا بر دلیل خاص که در مسأله وجود دارد، این اشخاص یک فدیه جهت روزه‌ای که نگرفته‌اند باید بپردازند و اگر عذرشان تا سال بعد ادامه نداشت، قبل از ماه رمضان سال آینده، روزه‌های خود را قضا می‌کنند و اگر تا ماه رمضان سال آینده عذرشان ادامه داشت، یک فدیۀ دیگر به جهت قضا نکردن روزه پرداخت می‌کنند.

پرسش: شخص مسافری که به وطن و یا محلی که قصد اقامت ده روز یا بیشتر را دارد، بعد از اذان صبح می‌رسد، می‌تواند نیت روزه آن روز را کند؟

پاسخ: مسافر اگر تا قبل از اذان ظهر و بدون اینکه مفطری را انجام داده باشد به وطن و یا محلی که قصد اقامت ده روز و یا بیشتر را دارد برسد، باید روزه آن روزش را بگیرد و اگر بعد از اذان ظهر به مقصدش برسد، روزه آن روز را نمی‌تواند به جا بیاورد.

پرسش: کسی که با توجه به ضیق وقت که در نماز برایش ایجاد شده است، با تیمم نمازش را خواند، می‌تواند نماز بعدی‌اش را که در ضیق وقت نیست با همین تیمم به جا بیاورد؟

پاسخ: اگر شخصی به دلیل ضیق وقت تیمم کرد و نمازش را به جا آورد، باید برای نمازهای بعدی‌اش اگر عذری ندارد وضو بگیرد و با آن تیمم نمی‌تواند نمازهای بعدی‌اش را به جا بیاورد و اگر به جهتی دیگر معذور است باید تجدید تیمم کند.

پرسش: آیا صرف به دنیا آمدن در شهری، باعث می‌شود آن شهر تا آخر عمر حکم وطن را برای شخص داشته باشد؟

پاسخ: اگر شخصی در شهری به دنیا آمد و حداقل ده سال در آن شهر سکونت داشت و بعد از آن شهر به شهر دیگری نقل مکان کرد، تا زمانی که نیت رجوع به آن شهر را داشته باشد و از آن شهر اعراض نکرده باشد، وقتی وارد آن شهر می‌شود، حتی اگر کمتر از ده روز اقامت دارد، نمازهای واجبش را باید به صورت تمام به جا بیاورد و روزه‌های واجب هم باید در آن شهر بگیرد. اما صرف به دنیا آمدن به تنهایی یا اینکه تا دو سه سالگی در آن شهر زندگی کرده سبب نمی‌شود که آن شهر حکم وطن را داشته باشد و اگر اقامت کمتر از ده روز دارد باید نمازش را قصر بخواند و نمی‌تواند هم در آن شهر -مادامی که مسافر است- روزه بگیرد.

پرسش: اگر شخصی در شهری به دنیا آمده باشد و حداقل ده سال هم سکونت در آن شهر داشته باشد، اما الان در آن شهر ساکن نیست و عرفاً هم آن شهر را وطن او حساب نمی‌کنند، آیا این شخص می‌تواند نمازهایش را کامل بخواند و یا روزه بگیرد؟

پاسخ: مرحوم اخوی به چنین شخصی اعراض اطلاق کرده‌اند با اینکه این لغت در کلام عرب وجود ندارد، ولی به جهت رساندن معنای اعراض قهری از این واژه استفاده نمودند. ولی به نظر می‌رسد همان‌گونه که در مسئله قبل بیان شد، مادامی که قصد بازگشت به آن شهر را ندارد، این شخص نمی‌تواند در این شهر -مادامی که مسافر است- روزه بگیرد و نمازهایش را تمام به جا بیاورد.

پرسش: آیا نیت معلق هم در رجوع به وطن کفایت می‌کند؟

پاسخ: نیّت معلّق کافی نیست، بلکه باید به‌طور جزم نیت رجوع داشته باشد، زیرا قدر متیقن در اتمام نماز و روزه، موردی است که طرف نیت رجوع به صورت جزم داشته باشد و باید اخذ به قدر متیقن شود.

پرسش: شخصی که از پرداخت کفاره روزه عاجز است، چه حکمی دارد؟

پاسخ: با توجه به روایاتی که در این مسأله وجود دارد، وظیفه چنین شخصی استغفار کردن می‌باشد و برخی از آن روایات عبارت‌اند از: 1- «كُلُّ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْكَفَّارَةِ … فَالاسْتِغْفَارُ لَهُ كَفَّارَةٌ…» (وسائل الشیعة، ج22، ص367/ الباب 6، ح1) 2- «إِنَّ الِاسْتِغْفَارَ تَوْبَةٌ وَ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ مَنْ لَمْ يَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْ‏ءٍ مِنَ الْكَفَّارَةِ» (وسائل الشیعة، ج22، ص368/ الباب 6، ح3).

پرسش: اگر شخصی با اعتماد به قول دیگری در مورد اخبار از اذان مفطری را به جا آورد، چنین شخصی چه وظیفه‌ای دارد؟

پاسخ: در این مسأله مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «يجب القضاء دون الكفارة في موارد‌»، سپس فرموده‌اند: «الخامس الأکل تعویلا علی من أخبر ببقاء اللیل و عدم طلوع الفجر مع كونه طالعا» (العروة الوثقی، ج3، ص52).

پرسش: کفاره تظلیل در احرام به چه صورت است؟

پاسخ: برای مرد مُحرم حرام است هنگام سیر و حرکت در زیر سایه برود، یا سایبانی بر سر بگیرد، هرچند سایه سقف ماشین یا هواپیما و مانند این‌ها باشد، پیاده باشد یا سواره، شب باشد یا روز، علی‌الأظهر. و اگر مردی در احرام به زیر سایه رفت، چه به صورت اختیاری و چه به صورت اضطراری، باید یک گوسفند به عنوان کفاره ذبح کند و می‌تواند آن را در وطن ذبح نماید.

پرسش: مغرب شرعی چه زمانی می‌باشد؟

پاسخ: مغرب شرعی بنا بر گفته مرحوم صاحب عروه عبارت است از: «ويعرف المغرب بذهاب الحمرة المشرقية عن سَمت الرأس، والأحوط زوالها من تمام ربع الفلك من طرف المشرق» (العروة الوثقی، ج2، ص13/ فصل في أوقات اليومية ونوافلها، م1) و مشهور شهرت عظیم فقها موافق با این نظر هستند (العروة الوثقی والتعلیقات علیها، ج6، ص38/ فصل في أوقات اليومية ونوافلها، م1).

پرسش: اگر چند صبی در کنار یکدیگر در صف‌های نماز جماعت حاضر باشند، حکم حائل را دارند؟

پاسخ: این مسأله به مسأله شرعی بودن یا تمرینی بودن عبادات صبی باز می‌گردد که اگر بنا شد عبادات صبی را شرعی بدانیم، در این صورت وجود تعدادی صبی در صف نماز جماعت، حائل نیست. اما اگر عبادات صبی را تمرینی بدانیم، در این صورت وجود تعدادی صبی در صف نماز جماعت حکم حائل را دارد؛ البته به نظر می‌رسد نظر صحیح شرعی بودن عبادات صبی است نه تمرینی بودن آن؛ مشهور فقها نیز همین نظر را اختیار کرده‌اند. مرحوم شیخ انصاری شرعی بودن عبادات صبی را به مشهور نسبت داده و می‌فرماید: «بنينا كالمشهور على شرعيّة عبادات الصبيّ» (کتاب المکاسب، ج3، ص278). بنابراین وجود تعدادی صبی در صفوف نماز جماعت، حکم حائل را ندارد. مرحوم صاحب عروه در ضمن مسئله‌ای می‌فرماید: «بناء على المختار من صحة عبادات الصبي و الصبية» (العروة الوثقی، ج2، ص82/ فصل في مکان المصلي، م26). و نیز در مسئله‌ای دیگر فرموده‌اند: «ولو حج الصبي لم يَجْزِ عن حجة الإسلام وإن قلنا بصحة عباداته وشرعیّتها -كما هو الأقوى- و كان واجدا لجميع الشرائط سوی البلوغ…» (العروة الوثقی، ج3، ص298/ فصل في شرائط وجوب حجة الإسلام). همچنین صاحب مدارک فرموده‌اند: «أن الأظهر أن عبادات الصبي شرعية يستحق عليها الثواب» (مدارك الأحکام، ج7، ص112). و مرحوم میرزای قمی فرموده‌اند: «و عبادات الصبي المميّز شرعية على الأقوى» (غنائم الأیام، ج1، ص63).

پرسش: اگر شخصی وصیت کرد خمس اموالش را از ثلث پرداخت کنند و بعد از پرداخت خمس اضافه ماند، باقی‌مانده را چکار کنند؟

پاسخ: خمس از اصل مال برداشت می‌شود و نه از ثلث، و ثلث باقی‌مانده را برای میت باید خیرات دهند.

پرسش: با توجه به اینکه موضوعات احکام شرعی برخی موضوع صِرف و برخی موضوع مستنبَط هستند، موضوع خبیث از کدام دسته از موضوعات می‌باشد؟

پاسخ: بنا بر نظر اکثر فقها، موضوع خبیث از موضوعات صِرفۀ موکل به عرف می‌باشد، مگر در موردی که شارع موردی را به عنوان خبیث تعیین کرده باشد، مانند این که در مورد ماهی بدون پولک بیان شده است که از خبائث می‌باشد. البته لازم به ذکر است که در این مسأله نادری از فقها همچون مرحوم نراقی صاحب مستند الشیعة خدشه کرده‌اند و خبیث را از موضوعات مستنبط شمرده‌اند. مرحوم نراقی در ضمن بیاناتی در بحث خبیث و معنای آن مطالبی را فرموده و در پایان می‌فرماید: «و بالجملة: لا يتحصّل لنا اليوم من الخبائث معنى منضبطا يرجع إليه، فيجب الاقتصار فيها على ما علم صدقها عليه قطعا- كفضلة الإنسان، بل فضلة كلّ ما لا يؤكل لحمه من الفضلات النجسة المنتنة، و كالميتات المتعفّنة و نحوها- و الرجوع في البواقي إلى الأصل الأول. و لا يضرّ عدم حجّية بعض العمومات المبيحة للأشياء لتخصيصها بالمجمل؛ إذ الأصل العقليّ و الشرعي في حلّية ما لم يعلم حرمته كاف في المطلوب». ممکن است گفته شود: بعضی از مصادیق خبیث مشکوک است و بنابراین باید بیان شود که از مصادیق مستنبط است. در پاسخ گفته می‌شود: تمامی موضوعات صِرفه یک سری مصادیق مشکوک دارند و صِرف اینکه موضوعی مصادیق مشکوک داشته باشد، باعث نمی‌شود که موضوع صرفه باشد.

پرسش: با توجه به اینکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در فضیلت امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «يَا عَلِيُّ مَا عَرَفَ اللَّهَ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ، وَ مَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ، وَ مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَا» (مختصر البصائر، ص336، ح14؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص145 و ص227)، نسبت به دیگر امامان علیهم السلام نیز آیا این فضیلت ثابت است؟

پاسخ: از یقینیات نزد شیعه این است که تمامی چهارده معصوم علیهم السلام در همه فضائل برابر هستند، مگر دو مورد که عبارت‌اند از: 1- نبوت برای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که مختص ایشان می‌باشد، و 2- مراتب افضلیت، پس رسول خدا صلی الله علیه وآله افضل از کل هستند، سپس امیرمؤمنان علیه السلام، سپس حضرت فاطمۀ زهرا علیها السلام، سپس امام حسن مجتبی علیه السلام، سپس امام حسین علیه السلام، سپس حضرت بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف، سپس امام سجاد زین العابدین علیه السلام، سپس امام محمّد باقر علیه السلام، سپس امام جعفر صادق علیه السلام، سپس امام موسی کاظم علیه السلام، سپس امام رضا علیه السلام، سپس امام جواد علیه السلام، سپس امام هادی علیه السلام، سپس امام حسن عسکری علیه السلام.

البته لازم به ذکر است که منصب امامت نیز برای حضرت صدیقۀ شهیده علیها السلام استثنا شده، اگرچه از لحاظ حجّیت همچون دیگر معصومان علیهم السلام قول، فعل و تقریر آن حضرت حجّت است.